

ادعیه و خیرات و مبرات و شفاعت

حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (95) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد

1

۹۵ - ادعیه و خیرات و مبرات و شفاعت

از حضرت بهاءالله در لوح شهیر پارسی است. قوله الابهی: "براستی میگویم روان از کردار پسندیده خوشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد."

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزیز: "چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البتہ شیئی موجود قابل ترقی است لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقی است این است که در مناجاتهای جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کردهاند طلب عفو و غفران شدهاست و از این گذشته همچنانکه خلق در اینعالم محتاج بحق هستند در آنعالم نیز محتاج همیشه خلق محتاج است حق غنی مطلق چه در این عالم و چه در آنعالم و غنای آنعالم تقرب بحق است در اینصورت یقین است که مقربان درگاه الهی را شفاعت جائز و این شفاعت مقبول حق اما شفاعت در آن عالم مشابهت بشفاعت در اینعالم را ندارد کیفیتی دیگر است و حقیقتی دیگر که در عبارت نگنجد و اگر انسان توانگر در وقت وفات باعانت فقراء و ضعفا وصیت کند و مبلغی از ثروت خویش را انفاق ایشان نماید ممکن است این عمل سبب عفو و غفران و ترقی در ملکوت رحمن گردد و همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقت بجهت اولاد کشند و اکثر چون بسن رشد رسند پدر و مادر بجهان دیگر



ORIGINAL

شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند پس باید اولاد در مقابل مشقات و زحمات پدر و مادر خیرات و مبرات نمایند و طلب عفو و غفران کنند ... حتی کسانی که در نگاه و عدم ایمان مردهاند ممکن است که تغییر نمایند یعنی مظهر غفران شوند و این بفضل الهی است نه بعدل ... چنانچه ما در اینجا قوه داریم که در حق این نفوس دعا نمائیم همین طور در عالم دیگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوه را دارا خواهیم بود آیا جمیع خلق آن عالم مخلوق خدا نیستند پس در آن عالم هم میتوانند ترقی کنند همچنانکه در اینجا میتوانند بتضرع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم میتوانند طلب غفران نمایند بتضرع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در این عالم بواسطه تضرع و ابتهال یا دعای مقدسین تحصیل ترقی نمایند بهمچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجا خود میتوانند ترقی کنند علیالخصوص چون مظهر شفاعت مظاهر مقدسه گردند.

و در خطابی از آنحضرت است. قوله العزیز: "در این دور رحمانی تضرع و زاری و شفاعت بدرگاه احدیت از برای جمیع نوع انسانی جائز و مثمر ثمر زیرا ایندور جمال مبارک است و رحمت برای جمیع وجود از غیب و شهود."

و قوله الجلیل: "اما خیرات و مبرات البتّه از برای اموات سبب تهوین سیئات و تزئید حسنات گردد زیرا نفوس از آن خیرات مستفید شوند و آن مانند استغفار است و چون ثمر استغفار مسلم خیرات و مبرات احسن و اعظم."

و قوله الکریم: "ترقی روح انسانی بعد از قطع تعلق از جسد ترابی در عالم الهی یا بصرف فضل و موهبت ربّانی و یا بطلب مغفرت و ادعیه خیریه سائر نفوس انسانی و یا بسبب خیرات و مبرات عظیمه که بنام او مجری گردد حاصل شود."

و نیز از آنحضرت است . قوله العزیز: "اما شفاعت حضرت رسول مخصوص بامت رسول بود."

و از حضرت بهاءالله است عزّ بیانه: "هو السامع المجیب قل اشهد یا الهی بما شهد به انبیائک و اصفیائک و بما انزلته فی کتبک و صحفک اسألك باسرار کتابک و بالذی فتحت به ابواب العلوم علی خلقک و رفعت رایة التوحید بین عبادک بان ترزقنی شفاعة سید الرسل و هادی السبل."

و قوله جلّ ثنائه: "اسئلک یا فالق الاصباح و مسخر الرياح بانبیائک و رسلک و اصفیائک و اولیائک الذین جعلتهم اعلام هدایتک بین خلقک و ریات نصرتک فی بلادک و بالنور الذی اشرق من افق الحجاز و تنورت به یثرب و البطحاء و ما فی ناسوت الانشاء بان تؤید عبادک."

ابو حنیفة بمعدودی از آیات و احادیث استشهاد کرد که حضرت نبوی تواند شفاعت از گاهان کبیره امت خود کند و مقبول بارگاه کبریا گردد ولی معتزله گفتند که شفاعت نبی تأثیری در اسقاط عذاب نکند و بآیاتی نیز استدلال نمودند

در قران است قوله تعالى: كلّ نفس بما كسبت رهينة و قوله: ليس للانسان الا ما سعى و ان سعيه سوف يرى و قوله: ما لهم ما شافعين فما تنفعهم شفاعة الشافعين و قوله: يا نوح انه ليس من اهلک انه عمل غير صالح